

پنج نکته پیرامون امام سجاد علیه السلام

مجلس شورای عالی آئین و عبادت، سازمان اوقاف و امور خیریه

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی پژوهشی

نوبت انتشار: اول / آبانماه ۱۳۹۳

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

نشانی: تهران، خ نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه،

معاونت فرهنگی و اجتماعی

آدرس مجتمع: قم، خ جمهوری، بین کوچه ۱۶ و ۱۸ پ ۴۸

تلفن: ۰۲۵-۲۹۳۶۰۴۲ نمابر: ۰۲۵-۲۹۳۶۰۴۳

بسم الله الرحمن الرحيم



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

آستانه:

یک... دو... سه... چهار... پنج... شش... هفت... هشت... نه... ده... یازده... دوازده...
اینها ثانیه‌های عمر ما هستند که در حال گذرند. ثانیه‌هایی که باز نمی‌گردند
و تن‌ها و تن‌ها یکبار زندگی می‌کنند.

و از خود سؤال کنیم که این ثانیه‌ها چگونه مصرف می‌شوند؟ چقدر از این

ثانیه‌ها مصرف می‌شوند برای کاری که پوچ است و بی‌هدف و بی‌دلیل!

ثانیه‌های عمر شما با ارزش است و بر همین اساس نوشتیم کتابچه‌ای که وقت

کمی از شما بگیرد. به مبارکی عدد چهارده، چهارده دقیقه از وقت شما را

می‌گیریم به خواندن این کتابچه. کتابچه‌ای که چند تکه دارد پیرامون امام

سجاد 

یک. زین العباد

اغلب ما شیعیان اطلاعات اندکی از چهارمین وصی پیامبر امام سجاد علیه السلام در ذهن داریم.

غالباً دانسته های ما محدود می شود به اینکه حضرت سجاد همراه پدرش امام حسین علیه السلام در واقعه ی کربلا حاضر بود اما به سبب بیماری در جنگ شرکت نکرد و مشیت الهی بر زنده ماندن ایشان شکل گرفت.

مشهور ترین لقبش زین العابدین و سجاد است. امام سجاد علیه السلام در سال سی و هشت هجری قمری دیده به جهان گشود (۱) و دوران کودکی خود را در مدینه سپری کرد. ایشان حدود دو سال از خلافت جدش امیر المومنین علیه السلام را درک

کرد.

پس از فاجعه ی کربلا امام سجاد علیه السلام به امامت رسیدند و همراه دیگر بازماندگان دشت نینوا به اسیری کوفه و شام برده شدند. ایشان در این سفر تکیه گاه و سرپرست دیگر اسیران در هجوم سختی ها و گرفتاری ها بودند. سخنرانی های آتشین امام در این سفر حکومت غاصب و ظالم یزید را رسوا ساخته و ماهیت قیام حسینی را بر همگان آشکار کرد.

امام سجاد علیه السلام پس از بازگشت از شام در مدینه اقامت کرد تا اینکه در سال نود و چهار یا نود و پنج هجری قمری به شهادت رسیده و در قبرستان بقیع در کنار قبر عمویش امام حسن مجتبی علیه السلام به خاک سپرده شد.

دو. امام بیمار

متأسفانه در میان بسیاری از ما ایرانیان رایج شده که از امام سجاد علیه السلام با عنوان "امام بیمار یاد می کنیم.

امام علیه السلام القاب بسیاری دارند اما در میان ایرانیان مشهورترین لقب ایشان امام بیمار است. حال آنکه این صفت را فقط و فقط ایرانیان به امام نسبت می دهند. با ذکر این لقب در ذهن آنان شخصی رنجور و ناتوان با چهره ای زرد و پژمرده

و روحی افسرده تداعی می شود در حالی که واقعیت چیزی جز این است.
امام سجاد علیه السلام تنها در کربلا و برای مدت کوتاهی بیمار بوده و پس از آن
بهبود یافته و در حدود سی و پنج سال همچون سایر امامان از سلامت جسمی
کامل بر خوردار بوده است.

قطعا بیماری موقت ایشان در واقعه ی کربلا عنایتی است از جانب خداوند در
جهت خالی نماندن زمین از حجت الهی.

چرا که به واسطه ی بیماری تکلیف جهاد از ایشان برداشته و وجود مقدسش از
خطر کشتار عمال یزید محفوظ می ماند و بدین ترتیب رشته ی امامت گسسته
نمی شود.

اگر حضرت بیمار نبود می بایست همچون سایر فرزندان و یاران پدرش در

جنگ شرکت جسته و به شهادت می رسید. که در این صورت نور هدایت خاموش شده و زمین از برکت وجود حجت الله بی بهره می ماند. بعضی گفته اند امام سجاد علیه السلام در واقعه ی کربلا کودکی نابالغ بوده است. ظاهراً این قول، بی اساس است و بر اساس گواهی تاریخ کناره گیری امام از جنگ به سبب بیماری بوده و نه کودکی. (۲)

و این بیماری مصلحتی الهی بوده برای حفظ حیات امام و نه نشان عجز و ناتوانی امام در برابر دشمن.

امام نه تنها در آن شرایط سخت اسیری پناهگاه اسرا و آرامبخش دل های دردمند آنان بود بلکه با دشمن با شجاعت و شهامت برخورد کرده و سخنرانی ها و مناظرات پر شوری ایراد می کردند.

منقول است پس از انتقال اسیران به کوفه به دنبال گفت و گوی تندی که در مجلس عبید الله بن زیاد بین او و امام صورت گرفت عبید الله خشمگین شد و فرمان قتل ایشان را صادر کرد اما امام فرمود: “مرا با کشتن تهدید می کنی؟! آیا نمی دانی که کشته شدن برای ما یک امر عادی بوده و شهادت برای ما کرامت و فضیلت است؟” (۳)

سه. پیام آور خون

آنچه در حادثه کربلا بدان نیاز بود بهره برداری از این قیام و حماسه ی بی نظیر در جهت نشر پیام امام حسین علیه السلام بود که حضرت سجاد در ضمن اسارت با عمه اش زینب علیها السلام آن را با شجاعت و شهامت و قدرت بی نظیری در جهان فریاد کردند. فریادی که طنین آن مدت هاست باقی مانده و تا همیشه جاودان خواهد ماند.

با توجه به تبلیغات بسیار گسترده و دامنه داری که حکومت اموی از زمان معاویه به بعد بر ضد خاندان پیامبر ﷺ به ویژه در منطقه ی شام به عمل آورده بود بدون شک اگر بازماندگان امام حسین ﷺ به افشاگری و بیدارگری نمی پرداختند دشمنان اسلام و مزدوران قدرت های وقت قیام و نهضت بزرگ آن حضرت را در طول تاریخ کمرنگ کرده و چهره ی آن را وارونه نشان می دادند. اما تبلیغات گسترده ی امام سجاد ﷺ و دیگر بازماندگان حضرت سید الشهداء ﷺ در دوران اسیری اجازه ی چنین تحریف و خیانتی را به دشمنان نداد و طبل رسوایی یزید را به صدا در آورد.

چهار. عصر سکوت

حادثه‌ی دلخراش عاشورا در کوتاه مدت ضربه‌ی سهمگینی بر پیکر نهضت شیعه وارد آورد. با انعکاس خبر این واقعه در سراسر کشور اسلامی آن روز، به ویژه عراق و حجاز رعب و وحشت شدیدی بر محافل شیعه حاکم شد. چه آن که مسلم شد یزید که آماده است تا مرز کشتن فرزند پیامبر ﷺ که در تمام جهان اسلام به عظمت و قداست شناخته شده است پیش برود و زنان و فرزندان

او را به اسارت برد تا حکومت خود را استحکام ببخشد در راه تثبیت پایه های حکومت خویش از هیچ کاری دریغ نخواهد کرد.

مسعودی مورخ نامدار تصریح می کند که علی بن الحسین امامت را به صورت مخفی و با تقیه ی شدید و در زمانی دشوار عهده دار گردید. (۴)

نیز امام صادق علیه السلام در ترسیم این وضع تلخ و اندوه بار می فرماید: “مردم پس از شهادت حسین بن علی علیه السلام برگشتند (از اطراف خاندان پیامبر پراکنده شدند) جز سه نفر: ابو خالد کابلی، یحیی بن ام الطویل، و جبیر بن مطعم. سپس افرادی به آنان پیوستند و تعدادشان افزون گشت...” (۵)

دوران امامت حضرت سجاد علیه السلام مصادف با یکی از سیاه ترین ادوار حکومت در تاریخ اسلام بود. گرچه که پیش از آن حضرت نیز حکومت اسلامی دستخوش

انحراف گشته و به یک حکومت استبدادی و خودکامه تبدیل شده بود اما زمان امام چهارم سردمداران حکومت به صورت آشکار و بدون هیچگونه پرده پوشی به مقدسات اسلامی دهن کجی می کردند و آشکارا اصول اسلامی را زیر پا می گذاشتند و کسی جرأت کوچک ترین اعتراض را نداشت.

بیش ترین دوران امامت امام سجاد علیه السلام مصادف بود با دوران خلافت عبدالملک بن مروان که مدت بیست و یک سال طول کشید.

او پیش از رسیدن به قدرت یکی از فقهای مدینه به شمار می رفت و به زهد و عبادت و دین داری شهرت داشت. (۶) اما پس از به قدرت رسیدن چنان دستخوش تغییر شخصیت شد که مورخان از کارنامه ی سیاه حکومت او به تلخی یاد می کنند.

با توجه به فضای سیاسی زمان امام سجاد علیه السلام تا حدی روشن است که چرا امام قیام نکرد. چرا که با رعب و اختناق شدیدی که حکومت جبار اموی برقرار کرده بود هرگونه جنبش مسلحانه پیشاپیش محکوم به شکست بود و کوچکترین حرکت از دید جاسوسان اموی پنهان نمی ماند. گویا امام سجاد علیه السلام با درک این شرائط تلخ و ناگوار بود که در دعای خود به پیشگاه خدا عرض می کرد:

“چه بسا دشمنی که شمشیر عداوتش را بر ضد من آخته، دم تیغش را برای ضربه زدن بر من تیز کرده و سر نیزه اش را به قصد جان من تیز ساخته است، زهرهای جانکاهش را برای کام من در جام فرو ریخته و مرا آماج تیرهای خویش قرار داده و چشم مراقبتش برای کنترل من نخفته است و مصمم است که

به من گزند برساند و تلخابه ی مرارت خود را به من بنوشاند!
خدایا ناتوانیم را از تحمل گرفتاری ها و رنج های گران، عجزم را از شکست
دادن آن که آهنگ جنگ با من کرده، تنهائیم را در برابر فزونی کسانی که با
من دشمنی نموده و برای گرفتار کردنم در کمین نشسته اند، در نظر گرفتی و به
یاریم آغاز کردی و به من نیرو بخشیدی.“ (۷)

امام پس از واقعه ی عاشورا دو راه بیشتر نداشت. یا می بایست با ایجاد هیجان
و احساسات در میان جمع معتقدان و علاقمندان خود به یک حرکت تند و
متهورانه دست می زد و پرچم مخالفت بلند کرده شور آفرینی می نمود و یا
می بایست احساسات سطحی را به وسیله ی تدبیری پخته و سنجیده مهار کند.
راه نخست راه فداکاران است. اما برای رهبری که شعاع تأثیر عمل او نه تنها

دایره‌ی محدود زمان خود که سراسر عمر تاریخ را در بر می‌گیرد فداکاری به تنهایی کافی نیست. بلکه امام علاوه بر آن می‌بایست ژرف‌نگر دور‌اندیش پر حوصله و با تدبیر باشد. چنین شرایطی است که انتخاب راه دوم را برای امام حتمی و قطعی ساخته است.

آماده نبودن شرائط لازم برای پایداری و اقدام عمیق باعث می‌شد که قیام چون شعله‌ای فرو بخوابد و میدان برای تاخت و تازهای بنی‌امیه در میدان فکر و سیاست فراخ شود. لذا امام می‌بایست نخست مقدمه‌ی کار بزرگ خود را فراهم کند و نیز عناصر لازم برای شروع تجدید حیات اسلام و بازآفرینی جامعه و نظام اسلامی را فراهم کند، از جان خود و یاران معدودش حراست نموده و میدان مبارزه را به حریف واگذار نکند.

در جبهه‌ی سازندگی سنگر بگیرد و به ساختن افراد صالح و تعلیم اندیشه‌ی
راهنما پردازد و سنگر را به امام بعد از خود بسپارد. (۸)

پنج. جنگ نرم

امام سجاد علیه السلام با انتخاب راه دوم یک سلسله برنامه های ارشادی فرهنگی تربیتی و مبارزات غیر مستقیم را آغاز کرد. ایشان بدون آنکه حساسیت حکومت را برانگیزد فعالیت هایی انجام داد که مهم ترین آنها را می توان در زنده نگه داشتن یاد و خاطره ی عاشورا، پند و ارشاد امت، تبیین معارف اسلامی ضمن دعا و مناجات، برخورد و مبارزه با علمای درباری، نشر احکام و آثار تربیتی اخلاقی و ... خلاصه کرد.

از آنجا که شهادت امام حسین علیه السلام و یاران آن حضرت در افکار عمومی برای حکومت اموی بسیار گران تمام شده و مشروعیت آن را زیر سوال برده بود امام با گریه بر شهیدان و زنده نگه داشتن خاطره ی آنان، مبارزه ی منفی را به صورت گریه ادامه می داد. فاجعه به قدری عظیم و مصیبت به قدری دلخراش بود که بی شک هیچ یک از شاهدان عینی واقعه تا زمانی که زنده بودند نمی توانستند آن را به دست فراموشی سپارند اما بی شک چگونگی برخورد امام سجاد با این موضوع اثر و نتیجه ی سیاسی داشت. یادآوری مکرر حادثه ی عاشورا از فراموش شدن ظلم حکومت اموی جلوگیری می کرد.

از آنجا که امام سجاد علیه السلام در عصر اختناق زندگی می کرد نمی توانست مفاهیم مورد نظر خود را به صورت آشکار و صریح بیان کند از این رو از

شیوه‌ی موعظه استفاده می‌کرد و مردم را از طریق موعظه با اندیشه‌ی درست اسلامی آشنا می‌کرد.

بررسی این موعظه‌ها نشان می‌دهد که امام با روشی حکیمانه ضمن اینکه مردم را نصیحت و موعظه می‌کرد آنچه را می‌خواست در ذهن مردم جا بگیرد به آنان القا می‌نمود.

صحیفه‌ی سجادیه از همین رهگذار تبیین شد. امام بسیاری از اهداف و مقاصد خود را در قالب دعا و مناجات بیان می‌کرد. صحیفه‌ی سجادیه پس از قرآن مجید و نهج البلاغه بزرگترین و مهم‌ترین گنجینه‌ی گران‌بهای حقایق و معارف الهی به شمار می‌رود به طوری که در ادوار گذشته از طرف دانشمندان پیشین “اُخت القرآن” (۹) “انجیل اهل بیت” و “زیور آل محمد” لقب گرفته است. (۱۰)

صحیفه‌ی سجادیه تنها شامل راز و نیاز با خدا و بیان حاجت در پیشگاه وی نیست، بلکه دریای بی‌کرانی از علوم و معارف اسلامی است که طی آن مسائل عقیدتی، فرهنگی، سیاسی و پاره‌ای از قوانین طبیعی و احکام شرعی در قالب دعا مطرح شده است.

امام سجاد علیه السلام در ضمن دعا‌های خود در چندین مورد مباحث سیاسی به ویژه مسئله‌ی امامت و رهبری جامعه‌ی اسلامی را مطرح نموده است.

یکی از قابل‌توجه‌ترین نکات در مبارزات سیاسی امام سجاد علیه السلام مبارزات فرهنگی ایشان و به تعبیری جنگ نرم است.

در زمانه‌ی که دشمن با تزریق تحریفات به بافت جامعه و تغییر دادن چهره‌ی حقیقت میدان جنگ مسلحانه را از آن خود کرده امام شمشیر و سلاح را غلاف

می‌کند و نیروی خود را سرگرم اصلاح زیر ساخت های فرهنگی می‌نماید. و این شاید مفیدترین و پر کاربردترین الگوی مبارزاتی در عصر حاضر باشد. در دورانی که شیاطین بزرگ ارباب رسانه را به جبهه‌ی خود کشانده و مسلمانان را بمباران فرهنگی می‌کنند بهترین و بزرگ‌ترین سلاح برای مبارزه تجهیز فرهنگی است.

شاید مهم‌ترین گام در عرصه‌ی مبارزات فرهنگی در ابتدا شناخت ابزار رسانه و تسلیحات فرهنگی است. و پس از آن استفاده‌ی صحیح و سیاستمدارانه از آن و ورود به جنگی غیر مستقیم به شیوه‌ی پیشوای معصومان امام سجاد علیه السلام است.

پی نوشت:

۱- علامه طبرسی، تاج الموالید (ضمن مجموعه ای به نام مجموعه نفیسه) ص ۱۱۲، شیخ مفید، مسار الشیعه (ضمن همان مجموعه) ص ۶۷، محمد بن جریر رستم طبری، دلائل الامامه، ص ۸۰، مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۱۶۷، قتال نیشابوری، روضه الواعضین، تصحیح و تعلیق، شیخ حسین اعلمی، ص ۲۲۲، برخی از مورخان تولد امام علی بن الحسین علیه السلام را در سال ۳۶ یا ۳۷ نوشته اند.

۲- پیشوایی، مهدی، سیره ی پیشوایان، ص ۲۵۰

۳- اخطب خوارزمی، مقتل الحسین، ص ۴۳

۴- قام ابو محمد علی بن الحسین علیه السلام بالأمر مستخفا علی تقیه شدید

فی زمان صعب (مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۱۶۷)

۵- شیخ مفید، الاختصاص، تصحیح و تعلیق، علی اکبر غفاری، ص ۶۴، مجلسی،

بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۴

۶- ابن طقطقی، الفخری، ص ۱۲۲، سیوطی، تاریخ الخفاء، تحقیق: محمد محیی

الدین عبد الحمید، ص ۲۱۶

۷- صحیفه‌ی سجادیه، ترجمه صدر بر لاغی، دعای ۴۹ (برای دفع مکر دشمنان) ص ۶۱۰

۸- برداشتی از (آیت الله) خامنه‌ای، سید علی، پیشوای صادق، ص ۲۴

۹- شیخ آغا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۸

۱۰- مدنی، سید علیخان، ریاض الساکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ص ۴-

۵، ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۲۵ (شرح حال متوکل، راوی صحیفه) و

ص ۱۳۱ (شرح حال یحیی بن علی بن محمد الحسین رقی)